و به جاى خدا چیزهایى را مى‌پرستند که در آسمانها و زمین به هیچ وجه اختیار روزى آنان را ندارند و [به کارى‌] توانایى ندارند. (73) پس براى خدا مَثَل نزنید، که خدا مى‌داند و شما نمى‌دانید. (74) خدا مَثَلى مى‌زند: بنده‌اى است زرخرید که هیچ کارى از او برنمى‌آید. آیا [او] با کسى که به وى از جانب خود روزى نیکو داده‌ایم، و او از آن در نهان و آشکار انفاق مى‌کند یکسان است؟ سپاس خداى راست. [نه،] بلکه بیشترشان نمى‌دانند. (75) و خدا مَثَلى [دیگر] مى‌زند: دو مردند که یکى از آنها لال است و هیچ کارى از او برنمى‌آید و او سربار خداوندگارش مى‌باشد. هر جا که او را مى‌فرستد خیرى به همراه نمى‌آورد. آیا او با کسى که به عدالت فرمان مى‌دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟ (76) و نهان آسمانها و زمین از آنِ خداست، و کار قیامت جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر [از آن‌] نیست، زیرا خدا بر هر چیزى تواناست. (77) و خدا شما را از شکم مادرانتان -در حالى که چیزى نمى‌دانستید- بیرون آورد، و براى شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزارى کنید. (78) آیا به سوى پرندگانى که در فضاى آسمان، رام شده‌اند ننگریسته‌اند؟ جز خدا کسى آنها را نگاه نمى‌دارد. راستى در این [قدرت‌نمایى‌] براى مردمى که ایمان مى‌آورند نشانه‌هایى است. (79)